



درصد کمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، به افزایش سلامت اجتماعی منجر و به دنبال آن استحکام خانواده حفظ می‌شود، تمایل به تشکیل زندگی در جامعه افزایش پیدا می‌کند، طلاق در جامعه کاهش و محبت و مسودت در خانواده‌ها افزایش می‌یابد و به نوعی دفاع از حقوق زنان نیز هست. بنابراین باید به همه ابعاد تشکیل خانواده توجه کرد. البته این موارد در صورتی محقق خواهد شد که جلوی فساد را بگیرد. اگر فساد در جامعه ترویج شود، مطمئناً خانواده و بیش از همه زنان آسیب می‌پذیرند. تردیدی نیست در جوامعی که فساد در آن رشد داشته، قشر آسیب‌پذیر زنان بوده‌اند نه مردان.

همانگونه که اشاره شد یکی از راهکارهای پیشگیری از فساد، ازدواج موقت است. اما در همان دایره تعریف شده‌ای که گفتم نه بی‌معز و تحریف شده، نه لجام گسیخته و نه در دایره شهوت‌رانی کنترل نشده و پوشش دادن برای یک سری مفاسد و لجام گسیختگی‌ها. از این منظر که نگاه کنیم، خواهیم دید آنچه که شارع حکیم تصویب کرده و تجویز فرموده، دقیقاً در جهت خیر و صلاح انسان‌ها و تشکیل خانواده است.

■ **اجازه بدهید بحث را تغییر دهیم، اخیراً انتقال پایتخت مطرح شد، چرا به دنبال این کار هستیم، آیا چنین چیزی متصور است و آیا مشکلی از «پایتخت بدون تهران» یا «تهران بدون پایتخت» یا حتی مشکلی از مشکلات کشور حل می‌کند؟**

قبلاً بحث انتقال پایتخت از تهران مطرح بوده است، همه کارشناسان معتقدند که تهران از حدود ۲۰۰ سال پیش بهترین منطقه کشور با ظرفیت‌های خوب طبیعی بوده که به‌عنوان پایتخت انتخاب شده است. مزیت‌های دیگر تهران از گذشته جغرافیای سیاسی، پدافند غیرعامل، ذخایر زیرزمینی و دشت خوب است. با این حال تهران یک ظرفیت مشخص برای تأمین نیازها و معیشت مردم دارد. عبور از این مرز، فضا و عرصه را بر مردم تنگ خواهد کرد. من در این قسمت بحث مشهد را مثال می‌زنم. شهر مشهد یکی از مناطق خوب کشور است که همواره دشت و آب و هوای خوبی دارد. اما الان این شهر با جمعیت دو میلیون و ۶۰۰ هزار نفری با کمبود آب شرب مواجه است. اکنون برای تأمین آب دشت مشهد باید از سدهای دیگر از جمله سد دوستی و از کشورهای دیگر آب وارد کرد، برخی نیز اصفهان را برای پایتخت کشور مطرح کرده‌اند. امسال بارندگی در اصفهان کاهش داشته، به‌طوری که آب سرچشمه‌های زاینده‌رود کم شده است. برای کشت کشاورزان اصفهان اکنون با مشکل مواجه هستیم. حالا که جمعیت اصفهان و اطراف آن بیش از دو میلیون نفر است، اگر از این سقف بالاتر رود، با مشکل مواجه خواهیم شد. پس می‌بینیم که مرکزیت یافتن هر شهر مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد. مهاجرت‌هایی که تاکنون به‌خاطر اشتغال، تحصیل و درمان به شهرهای بزرگ صورت گرفته است، به‌خاطر نظام ناهماهنگ اقتصادی کشور در گذشته بوده که در پی سوم‌دیریت‌ها صورت گرفته است.

■ **می‌خواهیم بدانیم آیا با انتقال پایتخت از تهران مشکلات این کلانشهر حل می‌شود یا نه؟**

در این باره چند مسئله وجود دارد. اول این که به خود شهر تهران باید توجه کرد. اگر شهر تهران از مرحله فعلی عبور کند و جمعیت آن بیشتر شود، زندگی غیر قابل تحمل خواهد شد. به‌طور میانگین سالانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار خودرو وارد تهران می‌شود. این مسئله مشکلات خاصی ایجاد کرده است. برخی معتقدند که باید جلو ورود خودرو به تهران گرفته شود، اما من می‌گویم اگر ۴۰ درصد مردم تهران خودرو دارند، نمی‌توان دیگران را از داشتن آن محروم کرد. از طرفی اگر بقیه خانواده‌ها نیز خودرو داشته باشند، مشکلات بیشتر می‌شود، چرا که آلودگی هوا و ترافیک در تهران وجود دارد.

پس خود شهروندان تهرانی نیز باید به فکر چاره باشند. یکی از راه‌های پیش رو، آن است که مراکز اداری، پادگان‌ها، دانشگاه‌ها و مانند آن، به خارج از تهران منتقل شود، ولی عملاً چون مرکز حکومتی اینجاست، این مراکز جزو حواشی حکومت‌اند و به‌راحتی تخلیه نمی‌کنند. به علت مرکزیت تهران بار سنگینی را به این شهر تحمیل می‌کنیم. شهر تهران حداکثر ۵ میلیون نفر جمعیت می‌تواند تحمل کند. قدم اول آن است که افزایش جمعیت تهران را متوقف کنیم. اگر بتوانیم محل مناسبی برای پایتخت پیدا کنیم، جلو توسعه نامناسب تهران را خواهیم گرفت.

نکته دیگر آن است که بیشتر مردم با نهادهای سازمان‌های اصلی کشور سرکار دارند، بنابراین ما هم یک‌بار سنگین به شهروندان تهرانی تحمیل می‌کنیم و هم بار سنگین دیگری به همه هموطنان.

اگر فردی بخواهد مشکل خود را در تهران حل کند، برای یک مسافرت کوتاه کلی هزینه روی دوش وی خواهد گذاشت. مثلاً اگر بگویم که مشکل خود را در اصفهان یا یک شهر دیگر حل کند، به این مشکلات دامن نخواهیم زد.

انتقال پایتخت ۱۵ سال پیش هم در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با حضور چند تن از وزرا در جلسات متعدد مطرح بود. در جلسه‌ای عنوان شد که اگر مثلاً این مقدار پول خرج سازندگی تهران شود، نیاز نیست که جای دیگر خرج کنیم و پایتخت بسازیم، چون مشکلات تهران حل می‌شود، اما متأسفانه چندین بار این پول در تهران خرج شد و تهران مشکلات بیشتری پیدا کرد، چرا که هر چه پول در تهران بیشتر هزینه شود، مشکلات آن بیشتر می‌شود.

انتقال پایتخت ۱۵ سال پیش هم در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با حضور چند تن از وزرا در جلسات متعدد مطرح بود. در جلسه‌ای عنوان شد که اگر مثلاً این مقدار پول خرج سازندگی تهران شود، نیاز نیست که جای دیگر خرج کنید و پایتخت بسازیم، چون مشکلات تهران حل می‌شود، اما متأسفانه چندین بار این پول در تهران خرج شد و تهران مشکلات بیشتری پیدا کرد، چرا که هر چه پول در تهران بیشتر هزینه شود، مشکلات آن بیشتر می‌شود

شرایطی خاص تشکیل زندگی بدهد. اگر ازدواج موقت بخواهد منشأ هوسرانی و هوس‌بازی و زیاده‌طلبی عده‌ای باشد، به ضد خود تبدیل می‌شود و این راهکار، به این درمان اجتماعی آسیب می‌زند و به دنبال آن عده‌ای دنبال فساد می‌روند و این را به‌عنوان کلاه شرعی و ظاهری برای فساد خود در جامعه استفاده می‌کنند. این شرایط هیچ فایده‌ای به حال اعضای جامعه نخواهد داشت و مثل این است که ما رباخواری را در جامعه ترویج دهیم و با کلاه‌شرعی‌هایی بخواهیم مشکل ربا را حل کنیم. بنابراین روابط ناسالم و فاسد با هر پوششی که باشد آثار مخرب خود را خواهد گذاشت. البته نباید عجله کرد و در فضا سازی منفی، حواشی بحث ازدواج موقت را بزرگ کرد. در حالی که تا می‌آیم یک چیزی بگویم، می‌گویند این ترویج فساد است، این به هم زن خانواده است و این که، دیگر کسی دنبال تشکیل خانواده نمی‌رود. تا این موضوع مطرح می‌شود، می‌گویند بچه‌های ناشی از ازدواج موقت چه می‌شود؟ در صورتی که آن هم مقررات خاص خود را دارد.

آن‌ها به این واقعیت‌ها توجهی نمی‌کنند که هزار مسئله از مفاسد اجتماعی نظیر موج افزایش طلاق‌ها، بالاتر رفتن سن ازدواج، افسردگی روحی جوانان و مشکلات اقتصادی برخی خانواده‌های بی‌سرپرست دامنگیر ماست.

من متوجه شدم در اطراف این محبت، حواشی برجسته می‌شود و به اصل قصه و تقاطع قانونی و محوری آن کمتر توجه می‌شود و دیگران می‌خواهند با مقاصد مختلف به آن دامن بزنند که عده‌ای دنبال تخریب احکام شرعی، تحریک احساسات خلم‌ها و ترویج فساد هستند.

طبیعی است که نباید خود را به دم تیغ ماجراجویی‌های رسانه‌ای بدهیم و سعی کرده ام در گفت‌وگوهای کوتاه به این بحث نپردازم، چون به نحوی این مطلب از بین می‌رفت و تلف می‌شد و در حق این حکم دقیق الهی بی‌انصافی می‌شد. بنابراین در وهله نخست باید این مسئله و حکم الهی را خوب فهمید و از ابعاد مختلف به آن توجه کرد. اگر در آن حوزه و مجموعه توانستیم خوب بهره‌برداری کنیم، نتیجه‌اش را می‌بینیم در غیر این صورت مطمئناً آسیب خواهیم دید. مقوله ازدواج و در حاشیه آن ازدواج موقت برای گروه‌های مبتلا که

آن ضرورت دارد. سنت ایرانی هم ازدواج موقت را نمی‌پسندد، اما از نظر شریعت برای حل مشکلات برخی افراد راه‌حلی اندیشیده شده است. اگر این افراد نتوانند مشکلات خود را حل کنند، جامعه را به فساد می‌کشاند، این افراد نتوانند مشکلات خود را حل کنند، جامعه را به فساد می‌کشاند، هنجار شکن می‌شوند و احساس گناه می‌کنند و قبح ناهنجاری‌های اجتماعی یابن می‌آید. یعنی باید به چندین مسئله منفی و مضر در جامعه تن داد، چرا؟ چون نمی‌خواهیم به یک راهکار فرعی و حاشیاهی تن دهیم. به نظر من این نوع موضوع با منطبق عقلائی سازگار نیست.

در حوزه تشکیل خانواده و نیازهای مادی و معنوی و عاطفی و جنسی جامعه باید همه ابعاد را در نظر گرفت. مثلاً باید به جوانان قبل از ازدواج راهکاری ارائه داد که همسر مناسب خود را پیدا کنند.

زمانی که به آنها می‌گوییم «چشم بسته ازدواج کنید»، تعدادی به شکل سنتی این کار را می‌کنند که در این میان خوشبختانه شمار زیادی، زندگی‌شان آسیب نمی‌بیند اما متأسفانه زندگی برخی آسیب می‌بیند. از سوی دیگر شماری از جوانان قصد دارند همسرشان را آگاهانه انتخاب کنند، آیا راهکار این مسئله آن است که بگویم مرادوات عادی و متعارف داشته باشید؛ طبیعتاً کسی که می‌خواهد همسرش را انتخاب کند، باید خیلی با وی محبتور باشد و این که این روابط چگونه باید باشد، قانونی و مشروع باشد یا غیرقانونی، باید برای آن فکر کرد.

در این باره می‌توان گفت دو جوانی که می‌خواهند با هم ازدواج کنند، پیش از آن می‌توانند صیغه محرمیت بخوانند. در صیغه محرمیت هم می‌شود همه شرایط را محدود کرد و گفت تنها مجاز باشید به حرف زدن یا یکدیگر، مجاز باشید به این که با هم جایی بروید و برگردید. همه این شروط را می‌توان با نظرات کامل خانواده و بزرگ‌ترها تعیین کرد.

اگر این شرایط را توانستیم برای کسانی که نیاز دارند و می‌خواهند آگاهانه ازدواج کنند فراهم کنیم، از طلاق جلوگیری کرده‌ایم. در تعداد کمی از خانواده‌ها نیز جوانان قبل از ازدواج می‌خواهند با جنس مخالف خود مرادوات داشته و دوست باشند که در برگیرنده حدود دو تا پنج درصد جامعه است.

اغلب جامعه ما خوشبختانه خیلی به مرادوات قبل از ازدواج دوجنس مخالف اعتقاد ندارند و به همان روش‌هایی که در جامعه ما عرف محسوب می‌شود، پایبند هستند. ما هم به این نوع سلوک زندگی افتخار می‌کنیم و طرفدار آن هستیم، اما اگر افرادی هر چند اندک بخواهند قبل از سن ازدواج مرادوات داشته باشند، چنانچه دین اجازه آن را به صورت مشروع و صحیح می‌دهد آیا ما مجازیم ممنوع کنیم و پاسخ منفی بدهیم؟

باید به پدران و مادران و جوانان طریق این اصول آموزش دهیم که شما می‌توانید مشروع و قانونی مرادوات داشته باشید تا جوان ما آلوده نشود، به گناه و ابتذال کشیده نشود، مشکلاتی در زندگی برای خود ایجاد نکند و زندگی خود را به خطر نیندازد. یک تعدادی بلوغ زودرس دارند و نمی‌توانند تشکیل خانواده دهند و حتی می‌توان در جمع نخبگان هم آنها را یافت، اما نمی‌توان نسبت به آنها بی‌توجه بود. آنها با استطاعت تشکیل زندگی ندارند، یا از نظر عرف نمی‌توانند ازدواج کنند.

به هر حال برای این‌ها و آسیب‌شناسی اجتماعی باید به فکر راهکاری باشیم. هر چند در سدهای ناپیچ از جامعه را تشکیل می‌دهند. مثال دیگر این که خانی همسرش را از دست داده و بیهوش است و می‌خواهد با کسی زندگی کند. شاید موقعیت ازدواج دائم برای او فراهم نشود و از این رو می‌تواند به صورت موقت در یک دوره زمانی و در